

یک زمین و یک ایران بیشتر نداریم

روزانه بیش از سه هزار هکتار از عرصه‌های طبیعی ایران تخریب می‌شود

مژگان جمشیدی

همزمان با روز جهانی محیط زیست و برگزاری جشن این روز در بسیاری از کشورهای جهان با شعار « یک زمین بیشتر نداریم» در سال 2022 میلادی، نگرانی از وضعیت محیط زیست و حافظان آن در ایران و اعمال سیاست‌های منجر به ناپایداری سرزمین و تخریب محیط زیست بیش از پیش شدت گرفته است.

کشور ایران که زمانی نه چندان دور، پایه گذار نخستین کنوانسیون محیط زیستی جهان برای حفاظت از تالاب‌های جهان بود اکنون بیش از دو دهه است از شرم آنچه بر سر تالاب‌های ملی و بین المللی مان آمده، عملاً سر به زیر افکنده است.

از هامون و بختگان و پریشان و شادگان و هورالعظیم بگیر تا ارومیه و گاوخونی و جازموریان، پهنه‌های آبی ایران یکی پس از دیگری در دو دهه اخیر به بیابان‌هایی چند صد هزار هکتاری تبدیل شده‌اند و انگشت‌شمار تالاب‌هایی هم که هنوز نفس‌های آخر را می‌کشند یا مانند تالاب انزلی به محل تخلیه فاضلاب و پسماند بدل شده، یا مانند میانکاله، در حالی‌که هر سال از وسعت آن کاسته می‌شود و پرندگان‌ش چند سالیست به دلایل نامعلوم به صورت فله‌ای می‌میرند و جنگل‌هایش نیز پیوسته در آتش می‌سوزند، هم اکنون با دستور صریح رییس دولت سیزدهم برای اجرای طرح گردشگری و توسعه صنایع نفتی و پتروشیمی در حاشیه خزر در مواجهه با پتروشیمی، جاده سازی، لایروبی پرحاشیه و بدون مجوز سازمان محیط زیست و ساخت و ساز در جزیره آشوراده، در معرض نابودی قطعی قرار گرفته است.

اما اوضاع جنگل‌ها و مراتع ایران، سواحل، حیات وحش، منابع آب، خاک و هوای ایران نیز بهتر از اوضاع تالاب‌ها نیست! چه بسا بدتر هم باشد. با این حال و در شرایطی که انتظار می‌رفت بعد از گذشت بیش

از نیم قرن از تاسیس سازمان حفاظت محیط زیست در ایران و تلاش برای ایجاد شبکه مناطق حفاظت شده در همان نخستین سال‌های تاسیس سازمان حفاظت محیط زیست، وضعیت طبیعت ایران از يك پایداری نسبی برخوردار باشد اما اکنون اوضاع محیط زیست ایران به گواه مشاهدات عینی و آمارهای موجود در حوزه آب و خاک و هوا، اکوسیستم‌ها و حیات وحش بسیار بحرانی است. اینقدر که نسل بسیاری از گونه‌های جانوری و گیاهی ایران در معرض انقراض قرار دارد، فرسایش خاک به دلیل تخریب گسترده جنگل‌ها و مراتع و چرای بی‌رویه دام، توسعه بی‌ضابطه معادن و کشاورزی و تغییر کاربری اراضی شدت گرفته، بیلان آب‌های زیرزمینی به‌طور چشمگیری کاهش یافته به‌طوری‌که اکثر قریب به اتفاق دشتهای ایران به عنوان مناطق ممنوعه و دشتهای بحرانی معرفی شده است و فرونشست زمین نیز، دیگر نه فقط در دشتهای و مناطق روستایی که حتی به داخل شهرهایی چون تهران و اصفهان و ... هم گسترش یافته است. با این وجود و در حالی‌که شاید دهه 90 آخرین فرصت‌ها برای تدوین سیاست‌ها و اتخاذ راهکارهای مقابله با تخریب محیط زیست کشور بود، اما این فرصت هم عملاً از دست رفت و نه تنها تغییر مثبتی در سیاست‌ها و برنامه‌ها و بهبود حکمرانی سرزمین ایجاد نشد، بلکه تخریب محیط زیست کشور با اعمال سیاست‌هایی که منجر به تشدید ناپایداری سرزمین می‌شد، شدت یافت.

زنگ خطر چه زمانی به صدا درآمد؟

با پایان یافتن جنگ 8 ساله ایران و عراق و آغاز دوران سازندگی، موج تازه‌ای از تخریب محیط زیست ایران در میانه دهه 70 آغاز شد. رشد جمعیت در دهه 60 و تخریب‌های به‌جامانده از دوران جنگ و به حاشیه رانده شدن محیط زیست در این دهه با آغاز دوره سازندگی پس جنگ و گسترش راه‌ها و صنایع و بنادر و اسکله‌ها بدون توجه به ملاحظات محیط زیستی ادامه یافت. در همین حال وقوع سیل‌های ویرانگر ناشی از تخریب جنگل‌ها و مراتع نیز به تدریج آغاز شد و با شکل‌گیری تشکلهای محیط زیستی غیردولتی در نیمه دهه 70 و افزایش میل به مشارکت در کارهای مدنی از جمله محیط زیست از سوی جوانان موجب جلب‌توجه بیشتر رسانه‌ها به محیط زیست شد. اما دو دهه اعمال سیاست‌های غلط بهره‌کشی از منابع آب به بهانه توسعه کشاورزی در کشور که منجر به وقوع پدیده خشکیدگی بسیاری از تالاب‌ها و دشتهای و نابودی جنگل‌ها و مراتع در نتیجه گسترش شهرک‌های مسکونی و باغ ویلاها شده بود در دهه 80 نیز با توسعه صنایع آب‌بر در اصفهان و یزد و کرمان و گسترش معادن در این دهه ادامه یافت. اوضاع وخیم محیط زیست ایران که از اواخر دهه 70 کم‌کم در حال آشکار شدن بود

و کمتر کي از مقامات آن را باور مي‌کرد مرتبا هشدار داده ميشد اما گاه برخي از اين هشدارها با واکنش مسوولان كشوري مواجه ميشد اينقدر كه اواخر دولت هشتم و در حالي‌كه سازمان محيط زيست نسبت به خشك شدن درياچه اروميه هشدار مي‌داد اما جمعه اروميه با بيان اينكه نبايد به بهانه حفظ 4 تا پرنده در درياچه، مانع توسعه كشاورزي شد به اين هشدارها واكنش نشان داد. اما يا گذشت کمتر از يك دهه از سخنان امام جمعه و خشكيدگي اروميه در نتيجه ساخت بيش از 40 سد در حوضه آبريز درياچه براي توسعه كشاورزي، و شدت گرفتن توفان‌هاي نمكي و خطر نابودي باغات و زمين‌هاي كشاورزي، يك موضوع محيط زيستي براي نخستين بار به موضوعي اجتماعي و امنيتي و سياسي بدل شد به طوري‌كه برخي از معترضان به خشك شدن درياچه به خيابان‌ها آمدند. تبديل بحران‌هاي محيط زيستي به بحران‌هاي سياسي و اجتماعي بعد از سال 1389 و اعتراضات مردمی در اروميه و تبريز در شهرهاي ديگر كشورمان در خوزستان و چهارمحال و بختياري هم ادامه يافت و معترضان به كمبود آب و وقوع گرد و غبار و طرح‌هاي انتقال آب بين حوضه‌اي اعتراض كردند.

اما گسترش پيامدهاي نابودي محيط زيست با اينكه از سال 1396 منجر به اعتراضات گسترده‌تري در برخي شهرها شد اما باز هم منجر به اتخاذ سياست‌هاي بازدارنده تخریب محيط زيست نشد. آغاز دوره جديدي از طرح‌هاي توسعه‌اي با محوريت آب و زمين، توسعه معادن و صنايع پتروشيمي و فولاد، طرح توسعه 550 هزار هكتاري كشاورزي خوزستان، تلاش براي استحصال آب‌هاي ژرف و آغاز موج جديدي از طرح‌هاي انتقال آب بين حوضه‌اي و امنيتي كردن موضوع محيط زيست با بازداشت چند تن از فعالان محيط زيست كه منجر به توقف بسياري از طرح‌هاي حفاظتي در حوزه حيات وحش كشور شد، عملا نشان داد كه قرار نيست بازنگري در سياست‌هاي توسعه‌اي كشور متناسب با اقليم و منابع موجود اتخاذ شود.

موتور تخریب طبیعت ایران
سرعت گرفته است

براي اينكه دريا بيد طبيعت ايران با چه سرعتي در حال تخریب است، بيايد نفس خود را براي 10 ثانيه در سينه حبس كنيد! بله! در همين زمان کوتاه، سه هزار و 500 متر مربع از جنگل‌ها و مراتع كشورمان تخریب شد. حالا به عقربه ثانيه‌شمار ساعتان نگاه كنيد، وقتي يك دقيقه كامل شود، حجم تخریب جنگل‌ها و مراتع كشورمان به 21 هزار مترمربع ميرسد! درست به همين سادگي، هرروز حدود 30 ميليون مترمربع (معادل 3 هزار و 204 هكتار) از زيستگاه‌هاي ايران به دلايل

گوناگون نابود میشود. به این ترتیب تا پایان هر سال رقمی معادل یک میلیون و 104 هزار هکتار (معادل 11 میلیارد و 40 میلیون مترمربع) از جنگل‌ها و مراتع کشور تخریب میشود.

اعلام این حجم عظیم از تخریب سرزمین، یک توهم یا بزرگ‌نمایی رسانه‌ای نیست! بلکه این مدیرکل دفتر زیستگاه‌ها و امور مناطق سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران بود که 7 سال پیش روزشمار تخریب طبیعت ایران را افشا کرد. اما مساله این است که از نیمه دهه 90 عملاً تخریب محیط زیست ایران با اعمال برخی سیاست‌های مرتبط با توسعه صنایع و معادن، افزایش سطح زیر کشت و رشد جمعیت شدت هم گرفت و چه بسا اگر داده‌های مربوط به تخریب محیط زیست را در 7 سال اخیر مجدداً بازنگری کنیم دریابیم در همان زمان 10 ثانیه‌ای که شما نفس تان را در سینه حبس می‌کنید معادل یک دقیقه در 7 سال گذشته، سطح جنگل‌ها و مراتع کشور نابود میشود.

وضعیت بحرانی جنگل‌های زاگرس

فقط کافیت سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، آمار مساحت جنگل‌های سوخته و مراتع خاکستر شده زاگرس در 7 سال گذشته را افشا کند. در همین حال بد نیست به این نکته هم توجه داشته باشید که به گفته یکی از مسوولان وزارت جهاد کشاورزی در 4 سال گذشته، بیش از 5 میلیون هکتار از اراضی کشاورزی زیر طرح‌های توسعه معدن رفته در حالی‌که متولیان معدن کشور برای بیش از نیمی از خاک کشور، یعنی بیش از 80 میلیون هکتار از وسعت کشور درخواست صدور مجوز معدنکاوی کرده بودند که سازمان جنگل‌ها و مراتع فقط با حدود 5 میلیون هکتار آن موافقت کرده است! در حال حاضر از 6 میلیون هکتار جنگل‌های بلوط غرب نیز قریب به یک میلیون و 200 هزار هکتار آن به دلیل خشکیدگی کامل تنها از سال 1388 تا 1394 از دست رفته و مابقی نیز به کشتزار بدل شده است. آتشسوزی نیز خود حکایت دیگری دارد و اگر نباشد انگار اصلاً جنگل معنا ندارد! از شمال و غرب، جنگل‌های ایران پیوسته در آتش ناآگاهی مردم، بی‌تدبیری متولیان و تنگ‌نظری دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند و نمی‌کنند می‌سوزند و خاکستر میشوند، بی‌آنکه آبی بر آتش پاشیده شده یا بالگردی برای اطفای آن از جا برخیزد. تنها در همین 5-6 سال گذشته که حریق در جنگل‌های زاگرس شدت گرفته نزدیک به 20 نفر از فعالان محیط زیست و مردم بومی که برای اطفای حریق رفته بودند در آتش سوختند. تنها در یک حادثه در سال 1397، 4 نفر از اعضای انجمن سبز چیا مریوان در اثر وقوع حریق و انفجار مین در مناطق مرزی جان باختند، در حادثه‌ای دیگر سه تن از اعضای یک تشکل زیست محیطی در پاره کرمانشاه در سال 1399

حریق سوختند و در حادثه دیگری در سال گذشته 4 نفر از اعضای يك خانواده عشایر حین اطفای حریق زاگرس در استان فارس در محاصره آتش گیر افتاده و جان باختند.

وضعیت کل جنگلهای ایران چگونه است؟

اگر آمار فائو از مساحت 11 میلیون هکتاری جنگلهای ایران را مبنا قرار دهیم، باید بگوییم که ما ایرانیان در کمتر از نیم قرن حدود هفت میلیون هکتار از مساحت 18 میلیون هکتاری جنگل هایمان را از دست داده ایم و همین عرصه باقیمانده نیز، اکنون به لحاظ کیفی بسیار آسیب دیده و تقریباً جنگل مخروبه به شمار می رود. با این حال جای شگفتی دارد که با وجود شعارهای متعدد مسوولان دولتی در توقف بهره برداری از جنگلهای شمال، با گذشت بیش از 7 سال از مطرح شدن این طرح، هنوز هم خبری از توقف کامل بهره برداری از جنگلهای شمال نیست. آیا به راستی از کشوری که روی دریایی از ذخایر عظیم نفت و گاز نشسته، رواست که گنجینه های ارزشمند ژنیاش را به بهانه های گوناگون اعم از وقف و قاچاق چوب و تهیه زغال و توسعه صنایع و راه ها و سدها اینگونه نابود کند؟ بهره برداری از جنگلهایی که به طور خاص در شمال ایران، موزه زنده تنوع زیستی جهان محسوب میشوند چه هیچ توجیهی ندارد. اساساً چرا باید سهم دو سازمان متولی محیط زیست از بودجه های دولتی برای حفظ و حراست از 147 میلیون هکتار از خاک کشور از گزند مخربان حتی به اندازه يك سوم بودجه يك سد كوچك هم نباشد؟

30 درصد گونه های گیاهی ایران

در معرض نابودی

به موازات همین حجم گسترده تخریب رویشگاه های جنگلی، اکنون نزدیک به 30 درصد گونه های گیاهی کشورمان در معرض تهدید و نابودی قرار دارد. به گزارش دفتر موزه تاریخ طبیعی و ذخایر ژنتیک سازمان محیط زیست، از مجموع هشت هزار گونه گیاهی در کشور، دوهزار و 405 گونه در معرض تهدید قرار دارند که بخش اعظمی از این گیاهان گونه های اندمیک و بومی این سرزمین است که اگر منقرض شوند، برای همیشه از روی زمین پاک خواهند شد. امروز دیگر کمتر منطقه بکری در این سرزمین باقیمانده به طوری که حتی کم نظیرترین پارک های ملی کشورمان هم با وجود اهرم های محکم قانونی در سال های اخیر دستخوش تخریب جدی شده است. در تازه ترین رخداد غمبار، وقتی قدیمی ترین مناطق حفاظت شده تالابی، کوهستانی و جنگلی ایران همچون گلستان و میانکاله و ارومیه و انزلی، البرز مرکزی و البرز شمالی و چهارباغ

پیوسته زیر بار فشار صنایع، معادن، سدسازی، حریق جنگل و توسعه کشاورزی و دامپروری و ویلاسازی و شهرک سازی کمر خم کرده و همچنان در حال نابودی هستند دیگر چه انتظاری از مناطق حفاظت شده کویری کشورمان می‌توان داشت که زیستگاه گورخر و یوز پلنگ آسیایی هستند؟ اوضاع گونه‌های جانوری کشورمان نیز متأسفانه بهتر از گیاهان نیست و همین هفته گذشته بود که خبر انقراض يك گونه ماهی بومی ایران که زیستگاهش تالاب مهارلو شیراز بوده منتشر شد. اوضاع یوزپلنگ ایرانی و گورخر آسیایی و پلنگ و آهوی ایرانی نیز نگران کننده است، اکثریت قریب به اتفاق زیستگاه‌های تاریخی حیات وحش ایران حالا دیگر امنیت لازم برای حیات وحش را ندارد. بیش از دو و نیم میلیون سلاح شکاری مجاز و غیر مجاز حیات وحش ایران را نشانه گرفته است، خشکسالی و تغییر اقلیم و تخریب زیستگاه‌ها به دلیل گسترش معادن و توسعه کشاورزی بسیاری از گونه‌های جانوری را از زیستگاه‌های اصلی خود رانده و به حاشیه شهرها و روستاها کشانده و تعارض بین مردم و حیات وحش نیز شدت گرفته است.

اوضاع بحرانی آب ایران

در حالی که میزان منابع آب تجدیدپذیر سرانه در وضعیت پایدار باید 1850 مترمکعب باشد، در حال حاضر سرانه منابع تجدیدپذیر برابر 1300 مترمکعب است. به عبارت دیگر با سرانه مصرف خانگی فعلی در ایران، سرانه منابع آب کمتر از حالت بهینه است. از این رو انتظار میرفت با اصلاح مصرف و آرایه راهکارهای سیاستی، در يك افق بلندمدت بتوان به تعادل پایدار دست یافت. محصولات کشاورزی با مصرف زیاد آب، سیاست رایج کشور است و عملاً اقدامات ترویجی برای کاهش محصولات آب بر در دست اجرا نیست.

در همین حال وجود بیش از 800 هزار حلقه چاه در کشور که بیش از نیمی از آنها در زمره چاه‌های غیر مجاز هستند، منجر به فرونشست بسیاری از دشتهای ایران و افت شدید سفره‌های آب زیرزمینی و نابودی پوشش گیاهی حتی در مناطق زاگرس شده است. تداوم این امر می‌تواند منجر به نابودی بسیاری از حشرات گرده‌افشان و دامپروری و حتی کشاورزی شود که این امر امنیت غذایی کشور را بیش از پیش در مخاطره قرار خواهد داد.

از این رو آنچه در حال حاضر نگرانی از وضعیت محیط زیست ایران را دوچندان می‌کند تشدید بحران‌های اقلیمی در مقیاس جهانی و منطقه‌ای و عدم سیاست‌گذاری درست و علمی در حوزه حکمرانی سرزمین است، به نحوی که همچنان طرح‌های توسعه‌ای کشور مبتنی بر بهره‌کشی بیشتر از آب و زمین است و عملاً خبری از سیاست‌های سازگار با اقلیم و ظرفیت

موجود منابع به چشم نمی‌خورد. شعارهای بلندپروازانه برای تامین غذای ایران و کشورهای منطقه تا 500 میلیون نفر، طرح‌های خودکفایی اقلام کشاورزی و توسعه بی‌ضابطه صنایع آب‌بر و گسترش پهنه‌های معدن‌کاوی برای خام‌فروشی به قیمت‌های ارزان ایران را در محاصره بیابانی شدن و تشدید گرد و غبار و پیامدهای اجتماعی و سیاسی و امنیتی ناشی از تخریب محیط زیست قرار داده است که انتظار می‌رود دست‌کم به مناسبت روز جهانی محیط زیست، یک نفر در دولت به این مهم توجه کند!

منبع: روزنامه اعتماد 16 خرداد 1401 خورشیدی